Islamic Maaref University

Scientific Journal
The History of Islamic Culture And Civilization

Vol. 15, Spring 2024, No. 54

An introduction to the concept of historical thought with a lexical (moajemi)definition method

Mohammad Javad Pordel[1] \ Mohsen Alviri[2] \ Zahra Ruholahi Amiri[3]

1. Ph.D student of Islamic history at Bagheral Uloom University, Qom, Iran (Corresponding author).
mohammadjavadpordel@gmail.com
2. Professor of History Department of Bagheral Uloom University, Qom, Iran.
alvirim@gmail.com
3. Assistant Professor of the History Department of Bagheral Uloom University, Qom, Iran.
z.rooholahiamiri@yahoo.com

Abstract Info

Article Type:
Research Article

Received:
2024.01.23
Accepted:
2024.06.08

Abstract

The lack of a significant definition for historical thought, like many words of historical knowledge, has caused ambiguity and errors for the researchers of this science. By choosing the lexical definition method, which has the subtlety of gathering previous definitions and providing a definition close to them, this article has answered the question of what definition can be provided to understand the concept of historical thought among the Available definitions with the celected method. ? By creating a semantic field of words with close meanings and using the library method, the researches gathered around these meanings and the definition of "thought tendency of an individual or the school of opinion in some branches or all the theoretical fields of history" are proposed for historical thought. Finally, in order to determine the boundary of the proposed definition with parallel concepts, the differences between (history, historiography, etc.) were discussed.

Keywords
Philosophy of history, lexical definition, historical thought, history, historiography.

Cite this article:
Pordel, Mohammad Javad, Mohsen Alviri & Zahra Ruholahi Amiri. (2024). An introduction to the concept of historical thought with a lexical (moajemi)definition method. *The History of Islamic Culture And Civilization*. 15 (1), 29-50. DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.27

DOI:
https://doi.org/10.22034/15.54.27

Publisher:
Islamic Maaref University, Qom, Iran.

مجلة علمية
تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية
السنة ١٥ / ربيع عام ١٤٤٥ / العدد ٥٧
جامعة المعارف الإسلامية

مقدمة على مفهوم الفكر التاريخي باسلوب التعريف المُعجمي

محمد جواد بردل[١] / محسن الويري[٢] / زهرا روح اللهي اميري[٣]

١. طالب دكتوراه تاريخ الاسلام بجامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، ايران (الكاتب المسؤول).
mohammadjavadpordel@gmail.com

٢. استاذ فرع التاريخ بجامعة باقر العلوم عليه السلام، قم، ايران.
alvirim@gmail.com

٣. استاذ مساعد فرع التاريخ بجامعة باقرالعلوم عليه السلام، قم، ايران.
z.rooholahiamiri@yahoo.com

معلومات المادة

نوع المقال: بحث

تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٧/١١

تاريخ القبول: ١٤٤٥/١٢/٠١

ملخّص البحث

الافتقار الي تعريف ملحوظ للفكر التاريخي، مثل الكثير من مفردات علم التاريخ، هو سبب الغموض و الاخطاء للباحثين في هذا العلم. يحظي هذا المقال بانتقاء اسلوب التعريف المعجمي بظرافه تجميع التعاريف السابقه و تقديم تعريف قريب منها. يجيب علي هذا السؤال حيث باسلوب منتخب اي تعريف يمكن تقديمه لمعرفة مفهوم الفكر التاريخي من بين التعاريف الموجوده؟ باحداث مضمار علم المعني من مفردات ذات معاني قريبه من بعضها و الاستفادة من الاسلوب المكتبي تجمعت بحوث حول هذه المعاني و تعريف «النزعة الفكرية للفرد او مدرسه صاحب الرأي في بعض الفروع او جميع حقول التاريخ النظريه» تم اقتراحه للفكر التاريخي و الاستدلال بها. في النهاية لتشخيص حدود التعريف المقترح بالمفاهيم المماثله يتم التطرق الي التفاوت بينه و (كتابه التاريخ، النظرة الي التاريخ و...).

الألفاظ المفتاحية فلسفه التاريخ، التعريف المُعجمي، الفكر التاريخي، النظرة الي التاريخ، كتابه التاريخ.

الاقتباس: بردل، محمد جواد، محسن الويري و زهرا روح اللهي اميري (١٤٤٥). مقدمة علي مفهوم الفكر التاريخي باسلوب التعريف المُعجمي. *مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الأسلامية*. ١٥ (١). ٥٠ ـ ٢٩. DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.27

رمز DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.27

الناشر: جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.

نشریه علمی
تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی
سال ۱۵، بهار ۱۴۰۳، شماره ۵۷

درآمدی بر مفهوم اندیشه تاریخی با روش تعریف مُعجمی

محمدجواد پردل[۱] / محسن الویری[۲] / زهرا روح‌اللهی امیری[۳]
۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران (نویسنده مسئول).
mohammadjavadpordel@gmail.com
۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران.
alvirim@gmail.com
۳. استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم علیه‌السلام، قم، ایران.
z.rooholahiamiri@yahoo.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی
(۵۰ ـ ۲۹)

تاریخ دریافت:
۱۴۰۲/۱۱/۰۳
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۳/۰۳/۱۹

چکیده

فقدان تعریف قابل توّجه برای اندیشه تاریخی، همچون بسیاری از واژگان دانش تاریخ، سبب ابهام و خطاهایی برای پویندگان این علم شده است. این مقاله با انتخاب روش تعریف مُعجمی که از ظریفیّت گردآوری تعریف‌های پیشین و ارائه تعریفی نزدیک با آنها برخوردار است، به این پرسش پاسخ داده که با روش منتخب چه تعریفی را می‌توان برای شناخت مفهوم اندیشه تاریخی از میان تعریف‌های موجود ارائه کرد؟ با ایجاد میدان معناشناسی از واژگان با معانی نزدیک به هم و استفاده از روش کتابخانه‌ای، پژوهش‌های پیرامون این معانی گردآمده و تعریف «گرایش اندیشه‌ای فرد و یا مکتب صاحب‌نظر در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ» برای اندیشه تاریخی پیشنهاد و به آن استدلال شد. در نهایت برای مشخص شدن مرز تعریف پیشنهادی با مفاهیم هم‌عرض به تفاوت‌های میان آن با (تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری و..) پرداخته شد.

واژگان کلیدی فلسفه تاریخ، تعریف مُعجمی، اندیشه تاریخی، تاریخ‌نگری، تاریخ‌نگاری.

استناد: پردل، محمدجواد، محسن الویری و زهرا روح‌اللهی امیری (۱۴۰۳). درآمدی بر مفهوم اندیشه تاریخی با روش تعریف مُعجمی. *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. ۱۵ (۱). ۵۰ ـ ۲۹. DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.27

کد DOI: https://doi.org/10.22034/15.54.27

ناشر: دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

توّجه به اصطلاحات و مفاهیم متداول در هر دانشی، بایسته ضروری هر علمی است تا دانش‌پژوهان خود را به درک درست از واژگان آن حوزه دانشی هدایت کند. درک درست از اصطلاحات یک علم سبب می‌شود، پژوهندگان آن به‌درستی کلمات را شناسایی و انتخاب کرده و به کمک تعریف درست از متغیرهای موضوع پژوهش خود، بتوانند آن را در میسر عزیمت به یک متن علمی و در سطح ارائه به جامعه نخبگانی قرار دهند تا با یافتن جایگاه صحیح خود در سلسله آثار علمی آن رشته، قرار گیرد.

از کاستی‌های آموزشی پیش‌روی دانش تاریخ نیز، فقدان فرهنگ‌نامه جامع در زمینه شرح و توضیح اصطلاحات علمی آن است. فرهنگ‌های نوشته شده در زمینه تاریخ، بیشتر کلمات تاریخ‌نگاران که در کتاب‌ها و منابع تاریخی نوشته شده را مورد توضیح قرار داده‌اند و بخشی نیز تنها به بازگردانی و ترجمه آنها از زبان‌های دیگر به زبان بومی دانش‌پژوهان اکتفا کرده‌اند. این امر سبب شده تا مرزهای اصطلاحات علمی تاریخ به‌روشنی از یکدیگر متمایز نشده و برداشت‌های مختلف و حتی اشتباه از واژگان و اصطلاحات علمی تاریخ، چه در فهرست و یا متن کتاب‌های آموزشی و نیز حتّی در گفت‌وگوها علمی اساتید و دانش‌پژوهان آن صورت گیرد.

در دهه‌های اخیر دغدغه‌مندان پیشرفت این علم سعی داشته‌اند تا با نوشته‌های علمی خود، این خطر را به حوزه دانشی تاریخ گوشزد کرده و حتی پیشنهادهایی در جهت اصلاح آن بدهند. چنانچه الویری در مقاله «پیشنهاد طرح‌واره بومی برای فلسفه تاریخ» پیشنهاد واکاوی، متمایزسازی مفاهیم و کاربردهای مختلف واژه تاریخ (تاریخی‌گری، اصالت تاریخ، تاریخ‌گرایی، اندیشه تاریخ و ...) و در نهایت بازتعریف آنها را در شاخ‌وبرگ‌های مطالعات فلسفه تاریخ داده است.[۱] کاترین دوکت (Catherine Duquette) در چارچوب نظری مقاله خود با عنوان «ارتباط آگاهی تاریخی با اندیشه تاریخی از طریق ارزیابی» (Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment)، ابهام در واژگان تاریخی مورداستفاده در فصلنامه‌های دانشگاهی را، به‌عنوان اوّلین مشکل مواجهه معلّمان و اساتید این علم می‌داند و به همین جهت پرداختن به تعریف معانی اندیشه تاریخی، آگاهی تاریخی و درک تاریخی را در این دانش، اندک دانسته و آن را سبب سردرگمی در به‌کارگیری این دست واژگان و اشتباه در برداشت از آنها قلمداد کرده است.[۲]

نظر به این نقص و کمک به کاستن آن از ساحت دانش تاریخ، در این پژوهش سعی شده با انتخاب

---

۱. الویری، ***پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ***، ص ۶۹.

2. Duquette, ***Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment***, p. 52.

اصطلاح متداول «اندیشه تاریخی» و برگزیدن روش مُعجمی از میان شیوه‌های تعریف، پاسخ درخوری برای مسئله خود که درک درست و جامع از چیستی مفهوم اندیشه تاریخی است، بیابد. برای نائل آمدن به این هدف از مسیر روش منتخب، ابتداء با شیوه کتابخانه‌ای و توجّه به محدودیّت حجم مقاله، آثار علمی داخلی و خارجی پیرامون اندیشه تاریخی، گردآوری و سپس تعریف‌های آنها استخراج و با نقد و تصحیح آن در قالب تعریف پیشنهادی از اندیشه تاریخی، وفاقی میان آنها صورت گرفت و در انتها نیز برای مشخص کردن جایگاه اندیشه تاریخی در ساحت دانش تاریخ، با نگاه انتقادی، تمایز آن با دیگر مفاهیم هم‌عرض (تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری و تاریخ اندیشه) مشخص گردید.

۱. تعریف روش معجمی

برای رسیدن به درکی مشترک از مفهوم «اندیشه تاریخی» و یافتن معنای درست آن، لازم است از میان گونه‌های مختلفی که برای شیوه تعریف شمرده شده است، روشی انتخاب گردد. این روش‌ها بر حسب نوع موضوع و هدف به اقسام مختلفی تقسیم می‌شوند که برای معرّفی اندیشه تاریخی، روش تعریف مُعجمی (lexical definitio) انتخاب گردید.

روش تعریف معجمی از ظرفیّت بالایی در گردآوری انتقادی تعریف پیشینیان برخوردار است که سبب می‌شود تعریف پیشنهادی جدای از تعریف‌های گذشته نباشد و از چارچوب قابل‌فهم برای پژوهندگان تاریخ، فاصله نداشته باشد.[۱] تعریف مُعجمی به معرَّف خود، معنای جدیدی نمی‌بخشد بلکه شکلی از تاریخ است که معنایی را که از قبل داشته در قالب نقلی، گزارش می‌دهد. لذا در این روش پژوهشگر بنا ندارد یک تعریف جدیدی را ایجاد کند بلکه تعریف‌های انجام شده از آن مفهوم را در یک دوره یا مکان معیّن جمع‌آوری می‌کند.[۲]

۲. مروری بر تعریف‌های موجود اندیشه تاریخی

با روش کتابخانه‌ای از روش‌های گردآوری اطلاعات، ابتدا با مراجعه به فرهنگ‌نامه‌ها و کارهای پژوهشی (کتاب، پایان‌نامه، مقاله) موجود، تعریف‌های تصریحی نویسندگان و یا تعریف عملی[۳] از نحوه کار آنها،

---

۱. الویری، ***تاریخ اجتماعی شیعیان؛ مفاهیم و کلیات***، ص ۲۰.

۲. نظرنژاد، ***ماهیت و انواع تعریف***، ص ۳۱.

۳. تعریف عملی: تعریف عملی مقابل تعریف اسمی شناخته می‌شود. یعنی مفاهیم براساس جایگاهی که برایشان در سراسر تحقیق در نظر گرفته شده بازتعریف شوند. در این تعریف کمک گرفتن از فرهنگ‌نامه‌های تخصصی و فرهنگ اصطلاحات جای ندارد. (ملائی توانی، ***درآمدی بر روش پژوهش***، ص ۸۱)

استخراج گردید تا درنهایت با مقایسه و عنایت به آنها و بیان ملاحظاتی، تعریف پیشنهادی برای اصطلاح اندیشه تاریخی مطرح گردد.

در یک نگاه کلّی برای دست یابی به میدان معناشناسی به آثار علمی نوشته شده در این حوزه با جستجوی واژه‌های «اندیشه تاریخی، تاریخ اندیشی، تفکّر تاریخی» و با تسامح «تاریخ‌نگری، تاریخ اندیشه، نگاه تاریخی، ایده تاریخی» در عنوان و کلیدواژه، متن حدود۵۰ اثر گوناگون فارسی‌زبان و همچنین استفاده از واژگان «Historical thought» به‌صورت غالب و «Historical Thinking، Idea of history» در لاتین و «الفکر التاریخی» به‌صورت غالب و «فکرة التاریخ، المعرفة التاریخیة، التفکیر التاریخی» در زبان عربی پرداخته شد. لیکن بیشتر این نوشته‌ها از تعریف این واژگان ـ چه در معنای درست و یا نادرست ـ خودداری کرده ویا آن را در معنای حداقلی (لغوی) به‌کاربرده‌اند.

پژوهش‌هایی که اندیشه تاریخی را به‌صورت مشخص تعریف کرده و از نگاه نگارنده در مسیر رسیدن به درک علمی از چیستی اندیشه تاریخی به‌کار آیند، به این شرح است: (تقدّم و تأخّر ذکر تعریف‌ها پیام خاصی ندارد)

۱. ارنست نولته[1] فیلسوف تاریخی آلمانی‌تبار، تاریخ‌اندیشی را تولّدیافته عصر جدید می‌داند که ریشه‌های آن را در دوران انقلاب صنعتی و مدرن‌سازی اجتماعی قرن نوزدهم شناسایی می‌کند. در نگاه او اندیشه تاریخی در منطقه مرزی میان فلسفه تاریخ و علم تاریخ منزل گزیده (ازاین‌رو فصل دوّم کتاب، تاریخ‌اندیشی میان فلسفه و علم عنوان گرفته) و رشتهِ تاریخیِ جدیدی نیست که با روشی مشخّص و یا حوزه موضوعی به‌دقّت مرزبندی شده‌ای، تعریف شده باشد، بلکه او تاریخ‌اندیشی را به‌مثابه گرایش فکری می‌یابد که در شاخه‌های مختلف تاریخ پدیدار می‌شود و بر پایه عبور از مرزهای این شاخه‌ها یا با تلفیقشان سامان می‌یابد.[2] گرلیش گردآورنده نوشته‌های نولته، منظور وی را از تاریخ‌اندیشی این‌گونه بیان می‌کند:

> نولته عینیّات تاریخ را دست‌مایه اندیشه‌گری درباره اکنون و آینده می‌کند و منظور او از تاریخ‌اندیشی همین است.[3]

با این تعریف گرلیش در فصل دوم اندیشه تاریخی نولته را به‌صورت فشرده در شاخه‌های مباحث فلسفه تاریخ، چه در فلسفه نظری تاریخ (هستی‌شناسی تاریخی و جایگاه انسان در تاریخ) و چه در فلسفه علم تاریخ (شناخت‌شناسی تاریخی) از نگاه خواننده می‌گذراند.

---

1. Ernst Nolte.

۲. گرلیش، ***ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش***، ص ۵۳ ـ ۵۲.

۳. همان، پشت کتاب.

۲. پیتر سیکاس[۱] و تام مورتون[۲] در کتاب ***شش مفهوم بزرگ تاریخی*** که به‌عنوان الگوی موفّق با کاربردی آموزشی برای معلّمان تاریخ نوشته شده است، تفکّر تاریخی را فرایند خلاقانه که مورخان برای تفسیر شواهد گذشته و تولید داستان‌های تاریخی طی می‌کنند معنا کرده‌اند.

آنها برای راهنمایی و آشنا کردن دانش‌آموزان با روشِ کار مورّخان در تبدیل گذشته به تاریخ، نحوه تفکّر مورّخان درباره رویدادهای گذشته و درنهایت بازنمایی گذشته توسط خود دانش‌آموزان، الگوی شش بزرگ را طراحی کرده‌اند. این مدل شامل شش مشکل پیش‌روی مورّخ در مطالعه گذشته است که سرفصل کتاب آنها قرار گرفته است.[۳]

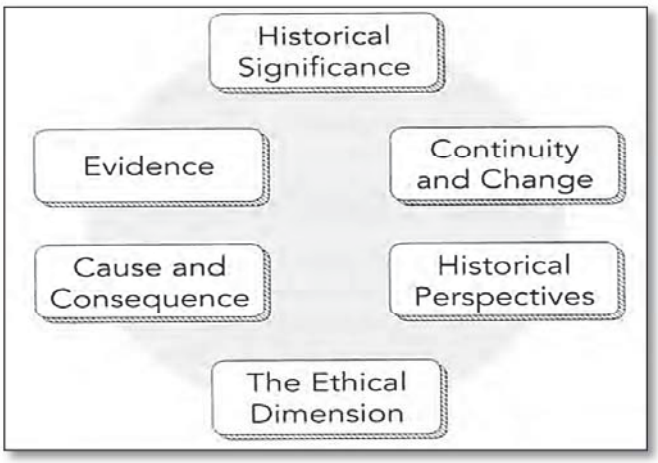

شکل یک : مدل شش بزرگ

۳. کارتین دوکت[۴] دکترای تخصصی آموزش دانشگاه لاوال فرانسه[۵] در مقاله خود که با هدف سامان‌دهی نحوه آموزش اندیشه تاریخی در مقطع متوسطه نگاشته است، اندیشه تاریخی را به «مجموعه عملیات شناختی خاص مورد نیاز برای درک و تفسیر دقیق گذشته» معنا می‌کند که از دو عنصر «آگاهی تاریخی» و «روش تاریخی» سامان یافته است. در نگاه دوکت آگاهی تاریخی به‌عنوان چارچوبی درک می‌شود که تفسیر رویدادهای گذشته را هدایت می‌کند و از اجزاءپنج‌گانه:[۶] تعیین اهمیّت تاریخی، شناسایی عناصر تداوم و تغییر، تجزیه و تحلیل علل و پیامدها، توسعه همدلی تاریخی و درنظر گرفتن پیچیدگی‌های گذشته، تشکیل شده است.

1. Peter Seixas.
2. Tom Morton.
3. Seixas & Morton, ***The Big Six Historical Thinking Concepts***, p. 2.
4. Catherine Duquette.
5. Université Laval.
6. Duquette, ***Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment***, p. 52.

Historical Thinking	
Historical Perspective	*Historical Method*
Establish historical significance	Question social phenomena of the past
Identify elements of continuity and change	Propose hypotheses
Analyze causes and consequences	Check available sources
Develop historical empathy	Analyze sources with respect to their reliability
Take into account the complexity of the past	Answer initial query

شکل دو : عناصر تشکیل‌دهنده اندیشه تاریخی

۴. حمادی السایح در کتاب ***الفکر التاریخی بین التطویر و التنظیر عند البیرونی*** پس از اشاره به زندگانی ابوریحان بیرونی و تاریخچه تاریخ‌اندیشی در عرب پیش از بیرونی، در فصل دوم به تعریف برخی اصطلاحات تاریخی پرداخته و با این مقدمه اندیشه تاریخی بیرونی را گزارش کرده است. او که در مدخل کتاب، بیرونی را مؤسس اندیشه تاریخی عربی اسلامی[۱] می‌داند که اندیشه تاریخی را «گرایش عقلی که مورّخ در ارتباط با شناخت تاریخ پیش رویش یا پرداختن به موضوع تاریخ، انتخاب کرده و یا به آن پایبند است»[۲] تعریف کرده است. حمادی نگاه انتقادی در هنگام پرداختن به موضوع تاریخ را لازمه شکل‌گیری و رشد تفکّر تاریخی دانسته ازاین‌رو بیرونی را کسی می‌داند که به تاریخ نگاه انتقادی داشته است.[۳]

برپایه این نوشته‌ها که به‌صورت مشخص تعریف اصطلاحی را ارائه داده‌اند، اندیشه تاریخی نوعی گرایش فکری و یا درک تاریخی (شناخت گذشته) است که در فرایند آموزشی (سیکاس و دوکت) به عملیّات رسیدن به این درک تاریخی شناسانده شد. هدف اندیشه تاریخی در رویکرد آموزشی، تفسیر دقیق شواهد گذشته و تولید داستان تاریخی بوده درحالی‌که نولته، سامان یافتن یک گرایش فکری برای اندیشه‌گری درباره اکنون و آینده را از آن انتظار داشت. راه رسیدن به این هدف‌ها عبور از مرزها و درنوردیدن شاخه‌هایی مختلف تاریخ و یا تلفیق آنها بود؛ کاری که نولته در کتاب‌های خود انجام داد و بخش‌هایی از آن در فرایند شش‌گانه سیکاس، عملّیات شناختی دوکت و یا در تفکّر انتقادی حمادی وجود داشت؛ لیکن پوینده (فاعل) آن در رویکردهای آموزشی و نزد حمّادی مورّخ بود ولی نولته در کتاب‌های خود، این انحصار را نپذیرفت و علاوه بر صاحبان اندیشه رشته‌های تخصصی، با اقدام به بررسی اندیشه تاریخی حاکمان و دولتمردان، نشان

۱. حمادی السایح، ***الفکر التاریخی بین التطویر و التنظیر عند البیرونی***، ص ۹.
۲. همان، ص ۵۴ ـ ۵۳.
۳. همان، ص ۵۴.

دادکه سایر افراد شاخص نیز می‌توانند از این اندیشه برخوردار باشند و مورد مطالعه قرار گیرند.[۱]

با مشخص شدن ماهیّت و روش تاریخ‌اندیشی در تعاریف بالا می‌توان به این اطمینان رسید که پدیدآورنگان سایر نوشته‌ها در حوزه تاریخ‌اندیشی که فاقد ارائه تعریفی برای اندیشه تاریخ می‌باشند، ولی از هریک از روش‌های بالا پیروی کرده‌اند، نیز چنین تعریف‌هایی را مدنظر داشته‌اند. نمونه‌ای از این اقدامات، کارهای علمی پیش‌رو است: محمود شاکر عبود الخفاجی در سه باب از پنج فصل کتاب ***ملامح الفکر التاریخی فی القرآن الکریم*** به بحث‌های فلسفی تاریخ در قرآن کریم پرداخته است.[۲] کوزری در فصل دوّم پایان‌نامه ***هگل و تفکّر تاریخی*** به صورت موضوعی به رابطه فلسفه و تاریخ، رابطه انسان و تاریخ، و هدف تاریخ از نگاه هگل پرداخته است و در فصل سوم به بررسی عینیّت در تاریخ پرداخته و روش پیاده‌سازی موضوعات تئوریک بر حوادث را از منظر هگل واکاوی کرده است.[۳] احمدیان در پایان‌نامه ***اندیشه تاریخی علّامه محمدحسین طباطبایی*** حاصل مطالعه و بررسی اندیشه تاریخی علامه طباطبایی را، در بحث فلسفه انتقادی و روش تاریخی (نحوه استشهاد وی به تاریخ برای اثبات ادعای خود و ردّ نظرات دیگران، سودمندی تاریخ، گونه‌های منابع مختلف تاریخی، نحوه گزینش وقایع تاریخی، مقایسه و نقد درونی و بیرونی روایت‌های تاریخی) و در بحث فلسفه نظری تاریخ (بیان سنن الهی، غایت تاریخ) تنظیم کرده است.[۴] دهقان در پایان‌نامه ارشد تاریخ ***اندیشه تاریخی مرحوم علّامه (عبدالحسین) امینی*** محور پژوهش خود را بر کتاب ***الغدیر*** قرار داده و مباحث خود را در دو شاخه تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری علّامه امینی بررسی کرده است.[۵] هادی طاهری فهرست پایان‌نامه ارشد تاریخ و تمدن خود را با عنوان ***اندیشه تاریخی شهید بهشتی*** در دو گروه مبانی اندیشه تاریخی که شامل (معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، روش‌شناسی) و مفاهیم اندیشه تاریخی شامل (جامعه، اسلام، عقل، فطرت، توحید، جهان‌بینی، تشکیلات، نظام امت و امامت) تنظیم کرده است تا از این راه بتواند به واکاوی و تبیین اندیشه‌های تاریخی دین‌پژوه و اسلام‌شناس عصر حاضر دکتر بهشتی بپردازد.[۶] روح‌الهی امیری در مقاله «مقریزی تقابل یا تطابق اندیشه کلامی بر اندیشه تاریخی؟»[۷] با بررسی برخی مفاهیم از قبیل (سنّت

---

۱. ر.ک: گرلیش، ***ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش؛ نولته، قرن بیستم: ایدئولوژی‌های خشونت.***

۲. الخفاجی، ***ملامح الفکر التاریخی فی القرآن الکریم.***

۳. کوزری، ***هگل و تفکر تاریخی.***

۴. احمدیان، ***اندیشه تاریخی علامه محمدحسین طباطبایی.***

۵. دهقان، ***اندیشه تاریخی مرحوم علّامه (عبدالحسین) امینی.***

۶. طاهری، ***اندیشه‌های تاریخی شهید بهشتی.***

۷. روح‌الهی امیری، «تقابل یا تطابق دیدگاه کلامی بر اندیشه تاریخی؟ بررسی موردی دیدگاه تقی الدین علی مقریزی»، ***مطالعات تاریخ اسلام***، ش ۴۰، ۵۴ ـ ۳۵.

الهی، کارکرد تاریخ، تاریخ‌نگاری و روش تاریخ‌نگاری و ...) در اندیشه‌کاوی تاریخی مقریزی نشان داده که همچون سایر پژوهش‌ها، با انتخاب و مطالعه نمایندگانی از شاخه‌های مختلف دانش تاریخ، میز پژوهش اندیشه تاریخ را فراتر از سرفصل‌های تک ساحتی تاریخ دیده است.

این نگاه فراگیر، متفاوت از کارهاییست که تنها به یکی از شاخه‌های دانش تاریخ توجه داشته است. مانند مایکل جی. دوما[1] در کتاب ***تفکّر تاریخی خلّاق***[2] و کادریه ارسیکان و سیکساس در کتاب ***جهت‌گیری‌های نوین در ارزیابی تفکّر تاریخی.***[3]

۳. تعریف پیشنهادی اندیشه تاریخی

روش مُعجمی باعث شد تا حد امکان نگاه گذرا به تعریف‌های ارائه شده از اندیشه تاریخی صورت گیرد با این مقدمه اکنون می‌توان تعریف پیشنهادی را مطرح نمود تا هم‌زمان هم از پیوند نزدیکی با تعریف‌های موجود بهرمند گردد و هم بتوان با تکیّه بر آنها ملاحظاتی را ارائه نمود.

اندیشه تاریخی به‌مثابه نگرش فکری صاحب اندیشه و یا مکتبی است که با عنایت به گذشته، نگاه نظام‌مندی به تمامی یا برخی حکمت‌های پس رویدادها، چرایی وقوع رویدادها (فلسفه نظری تاریخ) و چگونگی فهم رویدادها (فلسفه انتقادی تاریخ) بایدونبایدهای تدوین رویدادها (روش تاریخی) داشته باشد. به‌طور خلاصه اندیشه تاریخی: گرایش اندیشه‌ای فرد و یا مکتب صاحب نظر در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ است.

باتوجه‌به این تعریف، اندیشه تاریخی حداقل چهار رویکرد می‌تواند داشته باشد: ۱. آموزش اندیشه تاریخی: که با انجام فرایند و مراحل آموزشی، فعّال‌سازی (انگیزه‌سازی)، فرصت ایجاد گرایش فکری (اکتشاف)، تعامل مفهومی و فرصت شرح مفاهیم و ارائه شواهد (توضیح)، ایجاد فرصت استفاده آن در موقعیت جدید (شرح و بسط)، انطباق و تعامل مجدد (ارزشیابی)[4] در نوآموزان علاقه‌مند به تاریخ صورت می‌گیرد؛ ۲. فراگیری اندیشه تاریخی: شامل سازوکارها و تمرین‌های پیدا کردن گرایش اندیشه‌ای، اکتشاف، توضیح، شرح و بسط، ارزشیابی در سه سطح نظری تاریخ (فهم اندیشه‌ای بستر وقوع و حکمت‌های پس‌رویدادها، نحوه شناخت و تفسیر رویدادها، روش انتقال آنها)؛ ۳. بررسی و پژوهش در اندیشه تاریخی: واکاوی روشمند اندیشه از مسیر پژوهش اثر مکتوب و یا سخن فرد و یا مکتبی که از

1. Michael J. Douma.
2. Douma, Michael, ***Creative Historical Thinking***, Britannia: Routledge, 2018.
3. Kadriye Ercikan Seixas Peter, ***New Directions in Assessing Historical Thinking***, New York, Routledge, 2015.

۴. ر.ک: حسینی، ***یادگیری از نظر تا عمل***، ص ۱۸۶.

چنین رویکرد اندیشه‌ای قابل‌توّجه به تاریخ در شاخه‌های متفاوت نظری آن برخوردار است؛ ۴. ارزیابی و نقد اندیشه تاریخی: به‌معنای کاربست عقل در تشخیص سِره از ناسِره در ارزیابی نظریه‌ها و دیدگاه‌های این گرایش فکری تاریخی، می‌باشد.

برای تعریف پیشنهادی، ملاحظه و تأمّل‌هایی وجود دارد که پرداختن به آنها برای روشن ساختن ابعاد مختلف تعریف ضروری بوده که در ذیل واژگان و اجزاء تشکیل‌دهنده تعریف، به آنها پرداخته می‌شود:

۱. گرایش اندیشه‌ای: اندیشه تاریخی نوع نگاه فرد و یا مکتب به جایگاه رویدادهای تاریخی در تفسیر هستی‌شناسانه، میزان علمیّت و عینیّت برداشت از رویدادها، روش ثبت رویدادها و مسائلی از این قبیل است. گرایش دانستن اندیشه تاریخی نشان می‌دهد، این عنایت به تاریخ در عرصه بالاتری از شاخه‌های نظری تاریخ قلمرو دارد. این گرایش در جایگاه نگاه فرد و مکتبی است که در پیش‌فرض خود، سودمندی فراوانی را برای دانش تاریخ در همه ابعاد آن دانسته و برای شاخه‌های مختلف آن (چه در همه شاخه‌ها و زیرشاخه‌ها و چه در برخی از آنها) منظومه فکری مشخص را ترسیم کرده است؛ از این جهت پژوهش در اندیشه تاریخی، بررسی خود شاخه‌های نظری تاریخ نیست بلکه مطالعه فاعل‌شناسا[1] در نگاه به شاخه‌های دانش تاریخ است که همان روح حاکم بر شکل‌گیری و تفسیر پدیده‌های تاریخی می‌باشد.

۲. فرد و یا مکتب صاحب‌نظر: توجّه به برخی از تعریف‌ها و کارهای پژوهشی انجام شده که مورد پذیرش نهادهای علمی داخلی و خارجی قرار گرفته و همچنین پرداختن به اندیشه‌های حوزه‌های دانشی و یا حتی غیر دانشی در کارهای نولته، نشان‌دهنده آن است که در کسب اندیشه تاریخی، التزامی به مورّخ بودن صاحب اندیشه (برخلاف حمادی) و یا حتّی تحصیل در رشته‌های علمی آکادمیک (برخلاف بحرانی)[2] نیست. از سویی نیز هر فردی، اندیشه‌ای تاریخ ندارد و یا بررسی اندیشه تاریخی او از اهمیّت علمی برخوردار نمی‌باشد، لذا ارتقاء آن از بستر توده مردم به جامعه نخبگانی اقدامی پسندیده است ولی مالکیّت آن، به صورت اختصاصی برای گرایش علمی تاریخ، فلسفه و یا هر حوزه دانشی دیگر قرار ندارد.

---

1. Subject.

۲. بحرانی در پایان‌نامه ارشد تاریخ خود با عنوان ***اندیشه‌های تاریخی آیت‌الله محمدهادی معرفت*** منظور خود را از اصطلاح اندیشه تاریخی این‌گونه بیان کرده است: «آنچه از اندیشه تاریخی مراد است درک و تفسیری است که افراد از چیستی، اهمیت، ابعاد، جایگاه و چگونگی کاربست دانش تاریخ و یا آگاهی‌های تاریخی در رشته تخصصی مورد اهتمام خود دارند». بحرانی با این تعریف، اندیشه‌های تاریخی یک مفسّر قرآن کریم را در سرفصل‌های مباحث تاریخ واکاوی کرده است. (بحرانی، ***اندیشه تاریخی آیت‌الله محمدهادی معرفت***ﷺ، ص ۵۱)

مراد از مکتب نیز مجموع ایدئولوژی و جهان‌بینی است که شامل منشأ الهی و یا انسانی می‌باشد و در صورت دوّم، اعم از اینکه این دیدگاه تاریخی توسط فرد به وجود آمده باشد و یا گروه خاص متفکّران به نظری مشترکی دست یافته باشند را شامل می‌شود. آثاری همچون ***الموریسکیون فی الفکر التاریخی***[۱] که به بررسی اندیشه تاریخی گروهی از مسیحیان (همان نوکیشان مسلمانان اسپانیا) پرداخته و ***ملامح الفکر التاریخی فی القرآن کریم***[۲] که گوشه‌ای از اندیشه تاریخی قرآن کریم را بررسی کرده، می‌توان به‌عنوان نمونه‌ای از اندیشه تاریخی مکتبی معرفی کرد.

۳. در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ: فهرست متداول شاخه‌های دانش تاریخ نشان می‌دهد که این علم به دو قسم کلّی (تاریخ به‌مثابه رویداد، مباحث نظری تاریخ) تقسیم یافته است. تاریخ به‌مثابه رویداد یا تاریخ نقلی اکنون گرایش‌های مختلف (تاریخ جهان، تاریخ اسلام، تاریخ ایران، تاریخ معاصر و ...) را به خود اختصاص داده است. مباحث نظری تاریخ نیز به‌علّت معنای دوگانه تاریخ از دو شاخه کلّی فلسفی (فلسفه نظری تاریخ یا همان هست تاریخی، فلسفه انتقادی تاریخ یا شناخت و روش تاریخی) تشکیل یافته است.[۳] امروزه تلاش دغدغه‌مندان این علم سبب شده تا تحوّلاتی نسبت به فهرست نظری تاریخ در ایران پدید آید و رفته‌رفته مباحث نظری تاریخ با افزوده شدن تاریخ‌ورزی، روش درتاریخ و ... کامل گردد. جایگاه اندیشه تاریخی، در این شاخه نظری تاریخ جای دارد[۴] که هر یک از دو شاخه فلسفی آن نیز به زیرشاخه‌های گسترده‌ای تقسیم می‌شوند.

۴. تفاوت اندیشه تاریخی و مفاهیم هم‌عرض

برای مشخص شدن مرزهای تعریف پیشنهادی «اندیشه تاریخی» و یافت جایگاه و قرارگاه علمی آن برای مطالعات تاریخی، لازم است تفاوت مفهوم تاریخ‌اندیشی با برخی از مفاهیم نزدیک به آن مشخص گردد.

۴ـ۱. تفاوت اندیشه تاریخی با تاریخ‌نگاری

از جمله پیوندهای واژگانی «تاریخ»، درآمیختگی با واژه «نگار» با پسوند «یاء» بوده تا در نهایت ترکیب «تاریخ‌نگاری» از آن زاده شود. تاریخ را در معانی گوناگون (رویداد، وقایع، زمان، سرگذشت، تقویم و ...)[۵] آورده‌اند

---

۱. ایبارا، ***الموریسکیون فی الفکر التاریخی***.
۲. الخفاجی، ***ملامح الفکر التاریخی فی القرآن الکریم***.
۳. الویری، ***پیشنهاد طرح واره‌ایی بومی برای فلسفه تاریخ***، ص ۵۸.
۴. همان.
۵. دهخدا، ***لغت‌نامه دهخدا***، ج ۱، ص ۶۷۵.

که در اینجا معنای «گزارش از گذشته» برای آن مناسب‌تر است.[۱] نگار نیز اسم از مصدر نگاشتن است[۲] و پسوند «یاء» آن را به معنای حاصل مصدر نگاشتن تبدیل و یا منسوب به «نگار» کرده است.[۳] ازاین‌رو واژه تاریخ‌نگاری به‌معنای گزارش‌نوشتِ گذشته و گزارش مکتوب گذشته می‌باشد. تاریخ‌نگاری «تاریخ‌نویسی و یا منطق تاریخ»[۴] در اصطلاح به توصیف مکتوب احوال و اعمال انسان و در معنای خاص ثبت وقایع، احوال سیاسی و اجتماعی هر قوم یا جامعه جهانی اطلاق می‌شود.[۵]

امروزه تاریخ‌نگاری یک شاخه علمی از دانش تاریخ را در سطح جهانی کسب کرده و معنایی متکامل و علمی را نسبت به معنای ابتدائی خود پیدا کرده است. این مطالعات از روزنه معرفت‌شناختی (نگاه درجه دو) وارد شده و پایه پژوهش تاریخی خود را بر تفسیرگرایی و موضوع آن را تأمل نقادانه، هم به متن‌های تاریخ‌نگارانه و هم به اندیشه، گفتمان، سبک، روش و دستاوردهای مورّخان اختصاص داده است.

مطالعه خبر یک واقعه تاریخی، خود آن واقعه تاریخی نیست بلکه درک مورّخ از آن واقعه و انعکاس ادراک تاریخی تاریخ‌نگار، می‌باشد؛[۶] ازاین‌رو زاویه نگاهی که تاریخ‌نگار در گزارش رویداد و تفسیر آن انتخاب می‌کند در تاریخ‌نگاری او، تفسیرها و نحوه نتیجه‌گیری‌ها بسیار مؤثر است.[۷] هر متن تاریخی اقدام فعّال تاریخ‌نگار در واکنش همسو و یا غیر همدلانه با فضای زمانه خود است که متن را در آن فضا تولید می‌کند. لیکن بااین‌حال متن‌های تاریخی حاصل تجلّی نگاه مورّخ، تنها در یک عرصه از میدان‌های جولانگاه اندیشه تاریخی است.

در اندیشه تاریخی نیازی به کسوت مورّخ برای ثبت وقایع تاریخی نیست بلکه هر فردی که نگاه قابل‌ملاحظه‌ای به تاریخ دارد، می‌تواند دارای اندیشه تاریخی باشد. لذا سخن یک فرد غیرتاریخی (مانند فلاسفه، دین‌پژوهان، جامعه‌شناسان و ...) نیز که حاوی دیدگاه تأثیرگذار در هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی تاریخ باشد می‌تواند منشأ این بررسی قرار گیرد. در اندیشه تاریخی، سخن از مطالعه اندیشه تاریخی مکتب‌ها نیز وجود داشت که در تاریخ‌نگاری، یا وجود ندارد و یا به‌ندرت بتوان وفاقی بین مورّخین مکتب بر آن پیدا کرد. علاوه بر این تفاوت‌ها، التزامی بر این نکته نیست که هر نگارش تاریخی،

---

۱. رابینسون، ***تاریخ‌نگاری اسلامی***، ص ۱۳.
۲. دهخدا، ***لغت‌نامه دهخدا***، ج ۲، ص ۳۰۳۴.
۳. معین، ***فرهنگ معین***، ص ۳۵۹.
۴. زرین‌کوب در کتاب ***تاریخ در ترازو***، ص ۱۰۸ ـ ۵۲ به‌صورت مکرر تاریخ‌نویسی را به‌جای تاریخ‌نگاری به‌کار برده است. (ر.ک: بختیاری، «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری زرین‌کوب»، ***مجله تاریخ‌پژوهی***، ش ۴۶، ص ۶۴ ـ ۶۳)
۵. سجادی و عالم‌زاده، ***تاریخ‌نگاری در اسلام***، ص ۱۳.
۶. شرفی، ***تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها***، ص ۸۸.
۷. کیانپور، «روش‌شناسی تاریخ‌نگاری»، ***کتاب ماه هنر***، ش ۱۵۸، ص ۱۲۸.

حکایت‌کننده بر داشتن اندیشه و نگاه نظام‌مند به شاخه‌های تاریخ نزد پدیدآورنده آن باشد. چه بسیار مورّخانی که از منظر تعلیل و تحلیل یا فهم چیستی‌ها، چرایی‌ها و نقد و ارزیابی، به تاریخ نگاه نکرده‌اند و تنها به‌دنبال ثبت و ضبط رویدادها و در نهایت توصیف آنها برآمده‌اند. ازاین‌رو می‌توان رابطه محصول این دو مفهوم را عموم و خصوص من‌وجه از رابطه‌های چهارگانه منطقی دانست ولی از جهت مفهومی رابطه تباین دارند. شاید همین تفاوت‌ها سبب شده تا گرلیش در ابتدای فصل دوّم با به تصویرکشیدن پهنه اندیشه تاریخی نولته، بسنده کردن به‌عنوان (تاریخ‌نگار) را برای او ناکافی بداند.[۱]

عدم توجه به تفاوت بررسی تاریخ‌نگاری با اندیشه تاریخی سبب شده تا برخی از نوشته‌های علمی، به‌جای تاریخ‌نگاری در عنوان خود از اندیشه‌های تاریخی استفاده کنند. چنانچه شعبان‌زاده در مقاله «اندیشه‌های تاریخی ـ سیاسی مورّخان عصر غزنوی باتکیه‌بر عتبی، بیهقی، گردیزی» به تأثیر بافت و روش تاریخ‌نگاری این سه مورخ پرداخته است و کار او بیش از آنکه شباهت به اندیشه تاریخی داشته باشد، بررسی روش تاریخ‌نگاری است.[۲] لشگری نیز در پایان‌نامه ارشد تاریخ انقلاب اسلامی خود با عنوان (بررسی اندیشه‌های سیاسی و تاریخی محمدتقی بهار در دیوان و مقالات او) به نحوه گزارش رویدادهای تاریخی محمدتقی بهار در اشعار و آثار علمی ـ هنری او پرداخته است.[۳]

۴ـ۲. تفاوت آن با تاریخ‌نگری

در ترکیب تاریخ‌نگری «تاریخ» به‌معنای «گذشته» بوده و «نگر» اسم از مصدر «نگریستن» با پسوند «یاء» هست که آن را به‌معنای حاصل مصدر «نگرش» تبدیل کرده است. ازاین‌رو واژه تاریخ‌نگری به معنای «بینش و نگرش به گذشته» هست.

محمد بختیاری در کتابی که در شرح زندگانی علمی عبدالحسین زرّین‌کوب تدوین کرده ابداع لغت تاریخ‌نگری را در رشته تاریخ را از آنِ زرین‌کوب در کتاب ***تاریخ در ترازو*** دانسته است. او بعد گِله از اینکه زرین‌کوب در این کتاب و در سایر پژوهش‌های خود چه در لباس مؤلف و یا نویسنده و چه در قامت استاد راهنما در تعریف تاریخ‌نگری به عبارت «همان فلسفه تاریخ» بسنده کرده، با سه شاهد شروع به استدلال در تفسیر عبارت بالا نموده که حاصل آن این است: از نگاه ضمنی زرین‌کوب معنای مصطلح تاریخ‌نگری، دامنه‌ای فراگیر در فلسفه تاریخ دارد و شامل هر دو شاخه آن (فلسفه نظری، فلسفه تحلیلی)

---

۱. گرلیش، ***ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش***، ص ۴۷.

۲. شعبان‌زاده، «بررسی اندیشه‌های تاریخی ـ سیاسی مورخان عصر غزنوی باتکیه‌بر عتبی، بیهقی، گردیزی»، ***تاریخ‌نامه خوارزمی***، ش ۳، ۱۱۸ ـ ۹۰.

۳. لشگری، ***بررسی اندیشه‌های سیاسی و تاریخی محمدتقی بهار در دیوان و مقالات او***.

تاریخ می‌گردد. او این استدلال را پاسخی به دیگر پژوهش‌ها در مورد آثار زرین‌کوب دانسته که بر آن هستند که مراد از تاریخ‌نگری تنها شامل نگریستن و نگاه‌ها در حوزه مباحث فلسفه نظری تاریخ است.[۱]

بختیاری در تفاوت تاریخ‌نگری «فلسفه تاریخ» با تاریخ‌نویسی «تاریخ‌نگاری» از نگاه زرین‌کوب، تاریخ‌نگری را نوع نگرش «بینش» به مسائل تاریخ و تاریخ‌نویسی را شیوه و «روش» نگارش رویدادهای تاریخی می‌داند.[۲] او در مقاله‌ای با همین عنوان می‌نویسد:

> در واقع تاریخ‌نگاری مقدّمه تاریخ‌نگری است که اگر با روش صحیح علمی به نگارش درآید نتیجه حاصل آن به عینیّت نزدیک بوده و در فهم بهتر چرایی حوادث به مورّخ کمک خواهد کرد.[۳]

اگر واژه تاریخ‌نگری را معادل درستی از (Historicism) بدانیم[۴] این واژه می‌تواند قابل اطلاق بر نظرات هگل (۱۸۳۱م) دانست که از همان زمان و یا پیش‌تر از آن در سال ۱۷۹۷ م توسط فیلسوف آلمانی فردریش شلگل[۵] وارد واژگان تاریخ شده است. تاریخ‌نگری در این معنا برابر است با نگرش و جهان‌بینی که تاریخ را محیط و مؤثّر در تمام امور انسان، اعم از فهم، عقل، شناخت، عقاید، مذهب، فرهنگ و ... و تعیین‌کننده مسیر زندگی او می‌داند.[۶] ازاین‌رو باید تفسیر تاریخ‌نگری را نیز در همین ابعاد از آن انتظار داشت که قالب فلسفه تاریخ به خود خواهد گرفت.

مجید کافی زمینه کار تاریخ‌نگری را بررسی آثار تاریخی از جنبه محتوایی آن می‌داند. او در توضیح جنبه محتوایی می‌نویسد:

> در جنبه محتوایی آثار تاریخی نگرش مورّخ به تاریخ، اندیشه‌های بنیانی مورّخ، اصول موضوعه، پیش‌فرض‌هایش و ... نسبت به وقایع گذشته (فلسفه نظری تاریخ) و چه نسبت به معرفت تاریخ (فلسفه علم تاریخ) موردتوجه قرار می‌گیرد.[۷]

---

۱. صالحی، ***تاریخ‌نگری و اصول تاریخ‌نگاری از دیدگاه زنده یاد عبدالحسین زرین‌کوب***، ص ۱۵؛ پرهون، «فلسفه نظری استاد عبدالحسین زرین‌کوب با تکیّه بر کتاب تاریخ در ترازو»، ***کتاب ماه تاریخ و جغرافیا***، ش ۳۵، ص ۳۲؛ راعی گلوجه، «هویت ملی و ایرانی گری در تاریخ‌نگاری زرین‌کوب»، ***فصلنامه مطالعات ملی***، ش ۱۵، ص ۱۱۹.

۲. بختیاری، ***تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دکتر زرین‌کوب***، ص ۶۶ ـ ۶۵.

۳. همان، ص ۳۰.

۴. عرب صالحی برآن است که در ترجمه (Historicism) تاریخ‌نگری بر معانی چون تاریخ‌گرایی و تاریخ‌گری ترجیح دارد چرا که قبل از اینکه یک گرایش باشد، یک نگرش و جهان‌بینی است. (ر. ک: ***عرب صالحی، فهم در دام تاریخ‌نگری، گادامر و تاریخ‌مندی فهم***، پاورقی ص ۲۳)

5. Friedrich Schlegel.

۶. عرب صالحی، ***فهم در دام تاریخ‌نگری، گادامر و تاریخ‌مندی فهم***، پاورقی ص ۲۳.

۷. کافی، ***فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)***، ص ۱۷ و ۲۴.

کافی با این توضیح «تاریخ‌نگری» را معادل نگرش و دیدگاه مورّخ نسبت به گذشته تاریخی (فلسفه نظری تاریخ) تعریف می‌کند. او در تفاوت تاریخ‌نگاری با تاریخ‌نگری، اوّلی را مربوط به علوم نقلی و دوّمی را مربوط به علوم عقلی می‌داند.[۱]

شرفی در مقاله «تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها» تاریخ‌نگری را واکاوی عرصه نگاه موّرخ به رویدادها و یا حوادث تاریخ، معرفی می‌کند و ضرورت آن را در این می‌داند که درک و فهم واقعه تاریخی بدون شناخت اندیشه‌ای که در پس رویداد تاریخی نهفته، در واقع فهم و درک ناقصی است.[۲]

در دهه‌های اخیر آثار دیگری هرچند اندک با عنوان تاریخ‌نگری در ایران نوشته شده‌اند ولی شمار کمی از آنها تاریخ‌نگری را تعریف کرده‌اند. مشاهده این تعریف‌ها نیز تاریخ‌نگری را معادل فلسفه نظری تاریخ و یا فزون‌تر از آن معادل فلسفه تاریخ و شامل هر دو معنای تاریخ قرار داده است.[۳]

بااین‌حال هرچند تاریخ‌نگری قرابت خیلی نزدیکی با اندیشه تاریخی دارد لیکن تمامی تعریف‌های تاریخ‌نگری، بررسی آن را در مطالعه درک تاریخی مورّخ توسط پژوهنده دانسته‌اند. این در حالی است که در تعریف اندیشه تاریخی، برخی از تعریف‌ها از جمله تعریف پیشنهادی این پژوهش، اختصاص آن را به مورّخ بودن نپذیرفت و حتی سهمی برای مکاتب نیز در تاریخ‌اندیشی گشود همان‌طور که مجال اندیشه در تاریخ را به اندیشمندان و دانش‌پژوهان سایر علوم و یا افراد شاخص نیز داد. علاوه بر این در تعریف تاریخ‌نگری تمایز آن با تاریخ‌نگاری، به دوگانه «بینش و روش» تصریح شد؛ درحالی‌که در اندیشه تاریخ، واکاوی اندیشه‌ای در سطحی بالاتر و افقی گسترده‌تر از هر دو منظر پیشین و شامل واکاوی بینش، روش، منش (رفتار)، انگیزه و گرایش تا رسیدن به دانشِ فرد یا مکتبِ نظاره‌گرِ تاریخ است. شاید به همین علّت ناکافی بودن این واژگان بوده که لغت «اندیشه» توسط زرین‌کوب به‌عنوان فصل دهم (اندیشه تاریخ‌نگری) کتاب «تاریخ در ترازو» در پیشوند «تاریخ‌نگری» اضافه گشته است.

نیاز به کاربست اندیشه تاریخی برای پژوهش‌هایی که هم می‌خواهند بررسی بینشی (تاریخ‌نگری) و هم روشی (تاریخ‌نگاری) داشته باشند و هم به‌دنبال سازوکار تألیف گزاره‌های تاریخ و تدوین آنها و هم بررسی حکمت پنهان پس‌رخدادها و تبیین چرایی آنها باشند، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. استفاده نکردن از عنوان «اندیشه تاریخی» در جایی که دو رویکرد (روش و گرایش) با هم بررسی شده سبب می‌شود که مرزها به هم ریخته و ناخواسته پژوهش در چارچوب خود انجام نگیرد. چنانچه خدّامی در

---

۱. کافی، ***فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)***، ص ۲۴.
۲. شرفی، «تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها»، ***نشریه تاریخ***، ش ۱۵، ص ۹۲.
۳. همان.

پایان‌نامه ارشد تاریخ خود با عنوان ***تاریخ‌نگری از منظر ائمه معصومین علیهم‌السلام باتکیه‌بر نهج‌البلاغه*** بحث‌های روشی و تاریخ‌نگاری را (روش اعتبار سنجی گزاره‌های تاریخ، ارجاعات تاریخی، ابزار گردآوری داده‌های تاریخی و ...) ذیل بحث‌های تاریخ‌نگری آورده است.[۱]

۴ـ۳. تفاوت با تاریخ اندیشه

«تاریخ اندیشه» یا «تاریخ فکری» یا «تاریخ ایده‌ها» و یا «تاریخ ذهنیت‌ها»، نگارش آنچه که مردم می‌اندیشند نه آنچه انجام می‌دهند است که به‌صورت تاریخ افکار و عقاید نمودار می‌شود.[۲] تاریخ اندیشه مطالعه سرگذشت فکر یا افکار و عقیده یا عقاید مردم و بررسی آن در ادوار گوناگون است.[۳] این گرایش امروزه توانسته در تاریخ جایگاه پیدا کند که مطابق آن دیگر تاریخ، تک‌محصولِ بررسی کردار زنان و مردان را ندارد بلکه به پندار آنها نیز می‌پردازد.[۴] مسئولیّت این نوع تاریخ، بررسی برداشت‌ها، خیال‌پردازی‌ها، امیدوبیم‌های مردم در مورد یک موضوع خاصِ عصر گذشته است.[۵] براساس این دیدگاه، کنش افراد در گذشته باتوّجه‌به باورها، عقاید، انگیزه‌ها و به‌طور خلاصه بینش و گرایش آنها تفسیر می‌شود.

نخستین رگه‌های این نگاه به تاریخ را می‌توان در اثر وُلتر[۶] دانست که بر این باور بود: «تاریخ، ذهن بشر و موضوع واقعی علم تاریخ است». رهروان این نگاه را می‌توان توگو،[۷] کُندرسه[۸] و حتّی می‌توان بر نظرات هگل و کالینگوود تطبیق داد. توجّه دیلتای[۹] به گذشته اندیشه‌ها سبب شد تا هالبورن[۱۰] از او به‌عنوان پدر تاریخ اندیشه یاد کند. در نیمه دوّم قرن بیستم، تاریخ اندیشه‌ها در کار فرانسویان علاقه‌مند به معرفت‌شناسی همچون باشلار،[۱۱] کانگیلم[۱۲] و فکو[۱۳] تحت‌تأثیر قرار گرفت، بدین‌سان نقش عاملان یا کنشگران عرصه اندیشه تقلیل یافته و بر ساختارهای آگاهی و ماقبل آگاهیِ حاکم بر اندیشه در هر عصر تأکید شد.[۱۴]

---

۱. خدامی، ***تاریخ‌نگری از منظر ائمه معصومین علیهم‌السلام باتکیه‌بر نهج‌البلاغه***.

۲. استنفورد، ***درآمدی بر فلسفه تاریخ***، ص ۱۸ ـ ۱۷.

۳. کافی، ***فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)***، ص ۳۷.

۴. استنفورد، ***درآمدی بر فلسفه تاریخ***، ص ۱۸؛ نوذری، ***فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری***، ص ۷۷.

۵. ***استنفورد، درآمدی بر فلسفه تاریخ***، ص ۱۸؛ نوذری، ***فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری***، ص ۷۷.

6. Voltaire.
7. Togo.
8. Condorcet.
9. Wilhelm Dilthey.
10. Holborn.
11. Bachelar.
12. Canguilhem.
13. Michel Foucault.

۱۴. کافی، ***فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)***، ص ۴۰ ـ ۳۸؛ رضوی، ***فلسفه انتقادی تاریخ***، ص ۱۰۵.

تعریف‌های ارائه شده از تاریخ اندیشه بی‌ارتباط با معنای لغوی آن نیست و همان چیزی که از نام‌گذاری این نوع از مطالعات تاریخی (تاریخ اندیشه) انتظار می‌رود؛ لیکن این عنوان در آثار پیرو آن بیشتر به‌عنوان مقدمه‌ای برای ورود به بحث‌های فلسفه تاریخ یا معادل فلسفه تاریخ قرار گرفته و این در حالی است که تعریف‌های یادشده عرصه‌ای فراخ‌تر از پژوهش‌های اندیشه‌ای را در عرصه تاریخ پی می‌گیرد. چنانچه مایکل استنفورد در تعریف خود مطالعه اَعمال گذشتگان را توسط مورّخ ناکافی دانسته و تأکید بر مطالعه افکار، اندیشه‌ها و عقاید کنشگران تاریخ (تاریخ‌سازان) را داشت. او مطالعه اندیشه را مطالعه فکر مردم در ادوار گوناگون دانست. یا اینکه آر. جی. کالینگوود از اندیشمندان برجسته این حوزه که نوشته‌هایش بعد از مرگ او (۱۹۴۵م) در کتابی با نام **The Idea of History**[1] (***اندیشه / ایده در تاریخ***) انتشار یافت؛ براین اعتقاد بود که مورّخان باید کار خود را از جنبه‌های صرفاً مادّی یا توصیف آنچه جنبه مادّی و جسمانی دارد، آغاز کنند امّا هدف آنها دسترسی به ورای این جنبه‌های مادّی یعنی دستیابی به افکار که در آن سوی اعمال ظاهری قرار دارد، باشد. از نگاه او مورّخان باید از ظاهر رویدادها به درون آنها بروند تا از این راه، ماهیّت واقعی رویدادها را درک کنند. او درک جزئیّات گذشته را در گروی درک اعمال و رفتار گذشته انسان‌ها از راه مدارک و شواهد دانست که با شناخت آنها می‌توان به افکار نهفته در این اعمال پی برد.[2] بدین‌قرار از نظر وی «تمام تاریخ، تاریخ فکر است». او پرداختن به انگیزه‌ها و اندیشه‌های عاملان و تاریخ‌سازان را به‌عنوان علیّت تاریخی ضروری می‌شمارد.[3] امروزه نیز همین معنا در معرّفی تاریخ اندیشه و مسائل آن میان پژوهش‌های جدید یافت می‌شود، چنانچه فیاّض انوش، مسائل تاریخ اندیشه را آن‌دسته از مسائلی دانسته که در همه زمان‌ها و مکان‌ها ذهن انسان‌ها را به خود مشغول کرده و ادیان، فلسفه‌ها، نحله‌ها، فرقه‌ها، مکتب‌ها و ایسم‌های متعددی برای پاسخ‌گویی به آن پدیدار شده است.[4]

علاوه بر آنچه که گذشت، آثاری که با عنوان‌های تاریخ اندیشه در رشته‌های علمی مختلف (تاریخ اندیشه سیاسی، تاریخ اندیشه فلسفی، تاریخ اندیشه اجتماعی، تاریخ اندیشه اقتصادی و ...)[5] نگاشته

---

۱. این کتاب به فارسی با نام ***مفهوم کلی تاریخ***، توسط علی‌اکبر مهدیان ترجمه شده است که سوگمندانه ترجمه عنوان کتاب با نام اصلی آن فاصله دارد.

۲. ر. ک: والش، ***مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ***، ص ۵۸؛ استنفورد، ***درآمدی بر تاریخ‌پژوهی***، ص ۱۱۳.

۳. ر.ک استنفورد، ***درآمدی بر تاریخ‌پژوهی***، ص ۸۳؛ رضوی، ***فلسفه انتقادی تاریخ***، ص۲۲۳.

۴. فیاض انوش، «نسبت نقدِ تاریخ با فراتاریخ؛ یک پیشنهاد»، ***پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی***، ش ۷۷، ص ۲۵۸.

۵. همانند:

۱.(کتاب) حلی، ***تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی***.

۲. (کتاب) توانایان‌فر، ***تاریخ اندیشه اقتصادی و سمیونلز، تاریخ اندیشه اقتصادی از ارسطو تا جان استوارت میل (پیش از میلاد تا سده نوزدهم)***.

شده‌اند نیز نشان‌دهنده وسعت معنایی تاریخ اندیشه و اشاره‌کننده به حیث اضافی[۱] بودنِ تاریخ اندیشه هستند که می‌توانند در رشته‌های مختلف، نقش تاریخ علم را از بُعد تاریخی بررسی اندیشمندان و صاحب‌نظران آن دانش داشته باشند. لذا برخلاف تعریف‌های بالا، دیگر نیازی نیست تاریخ اندیشه، پدیدآمده دست مورّخ باشد بلکه خود یک واحد مطالعاتی آن رشته از منظر تاریخ است. به دیگر سخن در اینجا، تاریخِ یک اندیشه و یا نظریّه در میدان آن علم بررسی می‌گردد در حالی که اندیشه تاریخی تباری تاریخی دارد و از بحث‌های مهم و کلیدی تاریخ می‌باشد. اندیشه تاریخی می‌تواند در زمان کنون و حال باشد (مانند بررسی اندیشه تاریخی رهبر جمهوری اسلامی و ...) ولی عنایت و تکیه‌گاه فاعل شناسا (فرد یا مکتب) به گزارش‌های تاریخ است درصورتی‌که تاریخ اندیشه، فکر یا نظریه را در پهنه تاریخ بررسی می‌کند. آنچه در ابتدا و به‌صورت مستقیم در تاریخ اندیشه تأثیرگذار است مطالعه آن فکر، ایده و نظریّه است ولی در اندیشه تاریخی، مهم منظومه اندیشه تاریخی فرد یا مکتب است. اگر هم بناست تاریخ اندیشه‌ای در خود دانش تاریخ بررسی گردد، در قالب تاریخ یکی از موضوعات و یا نظریه‌های علم تاریخ با عنوان «تاریخ اندیشه تاریخی» نام می‌گیرد.

با این مرزبندی و بیان تفاوت‌ها (در مفهوم، موضوع، مسئله، روش، هدف و نتیجه) مشخص می‌گردد که علاوه بر تمایز دو عنوان «اندیشه تاریخی» با «تاریخ اندیشه» شماری از نوشته‌های علمی که در موضوع اندیشه تاریخی نوشته شده، در واقع تاریخ اندیشه است مانند مقاله «امام خمینی و احیاء اندیشه تاریخی ولایت فقیه»[۲] و یا مقاله «امپراتوری‌های اسلام در اندیشه تاریخی رنسانس».[۳]

---

۳. (کتاب) سالکی، ***تاریخ اندیشه‌های دینی؛*** الیاده، ***تاریخ اندیشه‌های دینی.***

۴. (کتاب) اولیچ، ***مربیان بزرگ (تاریخ اندیشه‌های تربیتی).***

۵. (مقاله) میبدی، ***سیر تاریخ اندیشه سلفی‌گری در شبه‌قاره هند از قرن دوازده تا سیزده هجری و ... .***

۱. آدمیت در کتاب، ***تاریخ فکر***، به‌صورت مطلق به تاریخ فکر پرداخته ولی در حقیقت او در متن کتاب، اندیشه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی و جنبش‌های جوامع در تمدن سومر تا کرت را در یک بازه زمانی مشخص بررسی کرده است.

۲. در صورتی که عنوان درست این نوع پژوهش تاریخ اندیشه است همان‌گونه که عبادی پایان‌نامه خود را با عنوان «بررسی تاریخی اندیشه ولایت فقیه از ابتدای قاجار تا انقلاب اسلامی» و رحمان ستایش عنوان مقاله «فرایند تاریخی اندیشه ولایت فقیه» را تنظیم کرده است.

۳. این اثر به زبان لاتین با عنوان «Empires of Islam in Renaissance Historical Thought» نوشته شده که در آن نویسنده، مرگریت مسرو (Margaret Meserve) یکی از نظرات تاریخی عصر رنسانس مبنی‌بر اتحاد نژادی ترکان را مبنای بررسی تاریخی خود در اقوام ترک (ترک‌های آسیای مرکزی و غربی، خزرها، اوغوزها و سلجوقیان) قرار داده است. او هدف کار خود را این‌گونه بیان می‌کند: من قصد دارم یکی از فرضیات اصلی مورخان رنسانس را در مورد هویت عثمانی بازتولید کنم: اینکه ترک‌ها اعضای یک نژاد ژنتیکی واحد بودند که تاریخ آن را می‌توان در طول قرن‌ها به یک پیدایش در دوران باستان ردیابی کرد.

البته از جهت مصداق در رابطه‌های چهارگانه منطقی مواردی مشترک و غیر مشترک در هر سو (عموم و خصوص من‌وجه) وجود دارد که مصداق مشترک آن می‌تواند همان بررسی تاریخی (اندیشه‌های تاریخی) باشد. کتاب‌هایی نظیر ***اندیشه تاریخی تودور***[1] نوشته لوی[2] را شاید بشود از این دست‌نوشته‌ها دانست چراکه لوی در این کتاب اندیشه‌های انسان‌گرایی، نگارش تاریخ انگلیسی، باستان‌شناسی، سنّت وقایع‌نگاری، مردمی شدن تاریخ را از منظر تاریخی بررسی کرده و هم در خلال این بحث‌ها مباحث اندیشه‌های تاریخی همچون علم بودن و یا نبودن تاریخ و نظرات در این باره، تطور تاریخ، نقش خداوند در تاریخ و عینیّت در تاریخ را از منظر اندیشمندانی چون (رالی، ماکیاولیستی، هیگدن و بیکن) در زمان حاکمیّت دودمان تودور انگلستان و ولز (۱۴۸۵ تا ۱۶۰۳ م) را بررسی کرده است.

آنچه از تفاوت میان اندیشه تاریخی با تاریخ‌نگری، تاریخ‌نگاری و تاریخ اندیشه گفته شد به این معنا نیست که ارتباطی میان آنها با یکدیگر وجود نداشته باشد، بلکه این سه مؤلفه همانند سایر شاخه‌های تاریخ، ذیل تاریخ‌اندیشی نیز مورد واکاوی قرار می‌گیرند و دارای بنیاد فکری می‌شوند. این امر به آن جهت است که اندیشه تاریخی با قرار گرفتن در جایگاه یک منبع معرفتی، جنس و شأن اندیشه‌ای برای تاریخ (چه به‌مثابه رویدادها و چه در ساحت مباحث نظری) ایجاد می‌کند که آن را از سطح نقل به‌سوی کاویدن فلسفه و حکمت‌های پس‌جریان‌های تاریخی، راه فهم آنها، باید و نبایدهای تدوین و روش انتقال گزارش رویدادها، گذر می‌دهد. سرانجام این اقدام اندیشه‌ای در متن یا سخن فرد و یا مکتبی که در پیش‌فرض‌های خود سودمندی برای تاریخ در نظر گرفته و ازهمین‌رو منظومه اندیشه‌ای مشخّصی را در همه یا برخی از ابعاد آن (به فراخور نگاه ژرف در رویدادهای تاریخی و فراگیری عرصه‌های نظری تاریخ) ترسیم کرده، پدیدار می‌شود.

همچنین اندیشه تاریخی، خود را محدود به علم تاریخ و وامدار آن ندانسته بلکه همان‌گونه که تاریخ در تعامل با سایر علوم قرار می‌گیرد و گذشته تاریخی سیر تطور و تحوّل مسائل‌های آن را یادآوری می‌کند، بررسی معرفتی اندیشه تاریخی (نگاه درجه دو) دانشمندان آن علم که از تاریخ بهره برده‌اند نیز برای پویندگان این دانش‌ها با تبیین سودمندی تاریخ در تعامل با سایر حوزه‌های علمی، نگاه متفاوتی را به دانش مطالعاتی خود می‌گشاید که در آن با ارتباط میان صفحات تاریخی مسائل، طبقات دانشمندان، گفتمان‌ها، مکاتب، مکتوبات، سیر تکون و ... آن علم، علاوه بر ایجاد بستر ارزیابی و مقایسه، می‌تواند نگاهی عمیق در فلسفه آن علم، فهم ریشه‌دار مسائل و پاسخ آنها را نیز فراهم آورد.

---

1. Tudor Historical Thought.
2. Fred Jacob Levy.

نتیجه

برای درک درست از مفهوم اندیشه تاریخی، روش تعریف مُعجمی که از ظرفیّت بالایی در گردآوری انتقادی تعریف‌های پیشین و توانایی ارائه تعریفی مرتبط با آنها را داشته، انتخاب شد که با تشکیل میدان معناشناسی از الفاظ هم‌معنا و یا نزدیک به اندیشه تاریخی، بیش از ۵۰ آثار داخلی و خارجی نوشته شده پیرامون «اندیشه تاریخی» انتخاب و تعریف آنها استخراج شد و در نهایت باتکیّه‌بر تعریف‌ها و در نظر داشتن ملاحظاتی، اندیشه تاریخی به گرایش اندیشه‌ای فرد و یا مکتب صاحب‌نظر در برخی از شاخه‌ها و یا تمامی ساحت‌های نظری تاریخ، معرّفی گردید. با تعریف اندیشه تاریخی لازم بود تا جایگاه و تمایز آن با سایر مفاهیم هم‌عرض فلسفه تاریخ مشخص گردد لذا به تفاوت آن با تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری در محدودیّت این دو و شمول اندیشه تاریخی پرداخته شد و ازآنجا که در میان آثار مختلف با تاریخ اندیشه نیز مورد اشتباه قرار گرفت، تفاوت آن دو در مفهوم، موضوع، مسئله، روش، هدف و نتیجه مشخص گردید.

منابع و مآخذ

۱. احمدیان دلاویز، حسن (۱۳۸۹). اند***یشه تاریخی علامه محمدحسین طباطبایی***. قم: باقر العلوم علیه‌السلام.

۲. آدمیت، فریدون (۱۳۹۰). تا***ریخ فکر: از سومر تا یونان و روم***. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

۳. استنفورد، مایکل (۱۳۸۲). ***درآمدی بر فلسفه تاریخ***. ترجمه احمد گل محمدی. تهران: نشر نی.

٤. استنفورد، مایکل (۱۳۹۳). ***درآمدی بر تاریخ‌پژوهی***. ترجمه مسعود صادقی. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و سمت.

۵. الویری، محسن (۱۳۹۱). پیشنهاد طرح‌واره‌ای بومی برای فلسفه تاریخ. ***فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی***. ۳(۱). ۷۸ـ۵۷.

٦. الیاده، میرچا (١٤٠٠). ***تاریخ اندیشه‌های دینی***. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: کتاب پارسه.

۷. اولیچ، رابرت (۱۳۹۰). ***مربیان بزرگ (تاریخ اندیشه‌های تربیتی)***. ترجمه علی شریعتمداری. قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۸. ایبارا، میغل انخیل بونیس (۲۰۰۵ م). ***الموریسکیون فی الفکر التاریخی***. ترجمه وسام محمد جزر. قاهره: المجلس الاعلی للثقافه.

۹. بحرانی، حوراء (۱۳۹۷). ***اندیشه تاریخی آیت‌الله محمدهادی معرفت***. قم: دانشگاه باقرالعلوم.

۱۰. بختیاری. محمد (۱۳۹۰). تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری زرین کوب. ***مجله تاریخ پژوهی***. ۹ (۱). ۳٤ ـ ۲۵.

۱۱. پرهون، حسن (۱۳۷۹). فلسفه نظری استاد عبدالحسین زرین‌کوب باتکیّه‌بر کتاب تاریخ در ترازو. ***کتاب ماه تاریخ و جغرافیا***. ۳۵ (۲).

۱۲. توانایان‌فر، حسن (۱۳٦۱). ***تاریخ اندیشه‌های اقتصادی در جهان اسلام***. بی‌جا: بی‌نا.

۱۳. حسینی، افضل سادات (۱۳۹۹). ***یادگیری از نظر تا عمل***. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۱٤. حلی، علی‌اصغر (۱۳۷۳). ***تاریخ اندیشه‌های سیاسی در ایران و جهان اسلامی***. تهران: بهبهانی.

۱۵. خدامی، قدیسه (۱۳۸۸). ***تاریخ‌نگری از منظر ائمه معصومین علیهم‌السلام با تکیه‌بر نهج‌البلاغه***. قم: باقرالعلوم علیه‌السلام.

۱٦. خفاجی، محمودشاکر (۱٤۲۹ ق). ***ملامح الفکر التاریخی فی القرآن الکریم***. نجف: دارالباقر.

۱۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). ***لغت‌نامه دهخدا***. تهران: دانشگاه تهران.

۱۸. دهقان، خدیجه (۱۳۹٦). ***اندیشه تاریخی مرحوم علامه (عبدالحسین) امینی***. قم: باقرالعلوم علیه‌السلام.

۱۹. رابینسون، چیس اف (۱۳۹۸). ***تاریخ‌نگاری اسلامی***. ترجمه محسن الویری. تهران: سمت.

۲۰. راعی گلوجه، سجاد (۱۳۸۲). هویت ملی و ایرانی‌گری در تاریخ‌نگاری زرین‌کوب. ***فصلنامه مطالعات ملی***. ٤ (۱). ۳۹ ـ ۱۹.

۲۱. رحمان ستایش، محمدکاظم (۱۳۷۹). فرایند تاریخی اندیشه ولایت فقیه. ***حضور***. ۹ (۲). ۳۱ ـ ۲۰.

۲۲. رضوی، سید ابوالفضل (۱۳۹۱). ***فلسفه انتقادی تاریخ***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲۳. روح‌الهی امیری، زهرا (۱۳۹۸). تقابل یا تطابق دیدگاه کلامی بر اندیشه تاریخی؟ بررسی موردی دیدگاه تقی‌الدین علی مقریزی. ***مطالعات تاریخ اسلام***. ٤۰ (۱). ٥٤ ـ ۳۵.

۲٤. سالکی، بهزاد و مینا غرویان، و پرویز بیانی (۱۳۹۵). ***تاریخ اندیشه‌های دینی***. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.

۲۵. سایح، حمادی (۲۰۱٦ م). ***الفکر التاریخی بین التطویر و التنظیر عند البیرونی***. بیروت: دار الروافد الثقافیه ـ ناشرون.

۲٦. سجادی، سید صادق و هادی عالم‌زاده (۱۳۹۳). ***تاریخ‌نگاری در اسلام***. تهران: سمت.

۲۷. سمیونلز (۱۳۹۳). ***تاریخ اندیشه اقتصادی از ارسطو تا جان استوارت میل (پیش از میلاد تا سده نوزدهم)***. ترجمه محمدحسین وقار. تهران: مرکز.

۲۸. شعبان‌زاده، بهمن (۱۳۹۳). بررسی اندیشه‌های تاریخی ـ سیاسی مورّخان عصر غزنوی باتکیّه‌بر عتبی، بیهقی، گردیزیم. ***تاریخنامه خوارزمی***. ۱ (۱). ۱۱۱ ـ ۹۰.

۲۹. شرفی، محبوبه (۱۳۸۸). تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگری، ضرورت‌ها و بایستگی‌ها. ***نشریه تاریخ***. ٤ (۳). ۸۷ ـ ۱۰۰.

۳۰. صالحی، نصرالله (۱۳۷۹). تاریخ‌نگری و اصول تاریخ‌نگاری از دیدگاه زنده‌یاد عبدالحسین زرین‌کوب. ***کتاب ماه تاریخ و جغرافیا***. ۳ (۳).

۳۱. طاهری، هادی (۱۳۹۹). ***اندیشه‌های تاریخی شهید بهشتی***. قم: جامعة المصطفی.

۳۲. عبادی، محمدحسین (۱۳۹۷). ***بررسی تاریخی اندیشه ولایت فقیه از ابتدای قاجار تا انقلاب اسلامی***. البرز: دانشگاه البرز.

۳۳. عرب صالحی، خداخواست (۱۳۹۸). ***فهم در دام تاریخ‌نگری، گادامر و تاریخ‌مندی فهم***. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۳٤. فیاض‌انوش، ابوالحسن (۱۳۹۹). نسبت نقدِ تاریخ با فراتاریخ؛ یک پیشنهاد. ***پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی***. ۱۰ (۱). ۲٤۰ ـ ۲۱۷.

۳۵. کافی، مجید (۱۳۹۹). ***فلسفه تحلیل تاریخ (تحلیل فلسفی معرفت‌های تاریخی)***. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت.

۳٦. کالینگوود، رابین جورج (۱۳۸۵). ***مفهوم کلی تاریخ***. ترجمه علی‌اکبر مهدیان. تهران: اختران.

۳۷. کوزری، حمید (۱۳۸٦). ***هگل و تفکر تاریخی***. تهران: دانشگاه تهران.

۳۸. کیانپور، زهرا (۱۳۹۰). روش‌شناسی تاریخ‌نگاری. ***کتاب ماه هنر***. ۱۳ (۱۵۸). ۱۳۱ ـ ۱۲٦.

۳۹. گرلیش، زیگفرید (۱۳۹٦). ***ارنست نولته: سیمای یک تاریخ‌اندیش***. ترجمه مهدی تدینی. تهران: نشر ثالث.

٤۰. لشگری، علیرضا (۱۳۹٦). ***بررسی اندیشه‌های سیاسی و تاریخی محمدتقی بهار در دیوان و مقالات او***. تهران: البرز.

٤۱. معین، محمد (۱۳۸۲). ***فرهنگ فارسی معین***. تهران: سی‌گل.

٤۲. ملاموسی میبدی، علی (۱۳۹٤). سیر تاریخ اندیشه سلفی‌گری در شبه‌قاره هند از قرن دوازده تا سیزده هجری. ***سراج منیر***. ٤ (٤). ۷۰ ـ ۵۱.

٤۳. ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۹). ***درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ***، تهران: نشر نی.

٤٤. نظرنژاد، نرگس (۱۳۸۱). ***ماهیت و انواع تعریف***. تبریز: انتشارات مؤسسه تحقیقات علوم اسلامی و انسانی دانشگاه تبریز.

٤٥. نوذری، حسینعلی (۱۳۹۲). ***فلسفه تاریخ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری***. تهران: طرح نو.

٤٦. نولته، ارنست (۱۳۹٦). ***قرن بیستم: ایدئولوژی‌های خشونت***. ترجمه مهدی تدینی. تهران: ققنوس.

٤٧. والش، دبلیو اچ (۱۳٦۳). ***مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ***. ترجمه ضیاءالدین علایی طباطبایی. تهران: امیرکبیر.

48. Douma, Michael (2018). ***Creative Historical Thinking***, Britannia: Routledge.
49. Duquette, Catherine, ***Relating Historical Consciousness to Historical Thinking through Assessment, In the book New Directions in Assessing Historical Thinking***, London: Routledge.
50. Ercikan (2015). ***Kadriye Seixas Peter, New Directions in Assessing Historical Thinking***, New York: Routledge.
51. Margaret, Meserve (2008). ***Empires of Islam in Renaissance Historical Thought***. Harvard Historical Studies.
52. Seixas, D. r Peter & Tom Morton (2013). ***The Big Six Historical Thinking Concepts***. Toronto: Nelson Canada ELHI.